

## طبقه‌بندی رده‌شناختی فرهنگها با نگرشی بر فرهنگهای دوزبانه

حسن هاشمی میناباد

مقدمه

در زبان فارسی معاصر فرهنگهای مختلفی با عناوین لغت‌نامه، واژه‌نامه، فرهنگ اصطلاحات، فرهنگ اعلام، واژگان، نمایه و از ادوار قدیمتر کتابهایی با عنوانهای معجم، معجم البلدان، معجم المفهرس، جامع اللغات، کنز اللغات، گنج اللغات، کشف اللغات و الاصطلاحات، تراجم الرجال، و امثال آنها وجود دارد. در زبان انگلیسی نیز می‌توان انواع مختلفی از فرهنگها را با عناوین زیر برشمرد:

dictionary, glossary, concordance, index, gazetteer, nomenclature, vocabulary, linguistic atlas, thesaurus, encyclopedic dictionary, lexicon.

این مجموعه وسیع را چگونه می‌توان طبقه‌بندی کرد و چه معیارهایی را برای طبقه‌بندی

رده‌شناختی (typological classification) فرهنگها می‌توان ارائه داد؟

در این نوشته تلاش ما بر این است که رده‌شناسی فرهنگها را از دیدگاه زبانشناسان و فرهنگ‌نگاران و فرهنگ‌شناسان صاحب‌نام بررسی کنیم، اما بنا به اهمیت، کاربرد وسیع و موقعیت ویژه فرهنگ‌نگاری دوزبانه در ایران، نگارنده بر رده‌شناسی این گونه فرهنگها از دیدگاه علی محمد القاسمی، استاد دانشگاه ریاض و عضو سازمان آموزش علمی و فرهنگی

اسلامی، که فرهنگهای دوزبانه را از نظر زبان‌شناسی بررسی کرده، تأکید بیشتری ورزیده است.

فرهنگ نگار در تألیف و تدوین فرهنگ خود، زبان‌شناس و فرهنگ‌شناس و منتقد در ارزیابی فرهنگهای موجود و نظریه‌پردازی در مورد مسائل فرهنگ‌نگاری، ناشر و بنگاه انتشاراتی در انتخاب فرهنگهای مناسب برای فروش، استاد و دانشجو و آموزنده زبان خارجی و به‌طور کلی اهل کتاب همگی در گزینش فرهنگهای مناسب برای هدفهای خاص خود می‌توانند از معیارهای رده‌شناختی فرهنگها سود ببرند.

يك. طبقه‌بندی رده‌شناختی کلی فرهنگها

ال. وی. شریبا (L. V. Scherba) زبان‌شناس روس، در سال ۱۹۴۰ اولین طبقه‌بندی علمی معتبر و قابل قبول را در مورد فرهنگها به‌دست داد. طبقه‌بندی او که بر اساس ویژگیهای فرهنگهای موجود است، شش تقابل را مطرح می‌سازد.

۱. فرهنگهای هنجارسازی یا تجویزی که استانداردها و معیارهای زبان را تجویز می‌کنند، در مقابل فرهنگهای توصیفی.

۲. فرهنگهای دایرة‌المعارفی که اطلاعات غیرزبانی را نیز در بر دارند مانند لغت‌نامه دهخدا و قاموس (ابوالقاسمی و دیگران، ۱۳۶۴)، در مقابل فرهنگهای واژگانی.

۳. فرهنگهای معمولی مانند فرهنگهای تعریف‌دار یا فرهنگهای ترجمه‌ای، در مقابل فرهنگهای ویژه‌نمای عمومی (general concordance) مانند فرهنگهای بسامدی، همچون فرهنگ ویژه‌نمای حافظ (صدیقیان، ۱۳۶۶).

۴. فرهنگ معمولی، در مقابل فرهنگ مفاهیم (انواع گنجاوزه یا فرهنگ اندیشه‌ها/ thesaurus که مفاهیم و موضوعات در آن گردآوری می‌شوند) مانند فرهنگ بیان اندیشه‌ها (صبا، ۱۳۶۶).

۵. فرهنگ تعریف‌دار تک‌زبانه (فرهنگ فارسی دکتر محمد معین) در مقابل فرهنگ ترجمه‌ای دو یا چندزبانه (فرهنگ انگلیسی فارسی حمیم).

۶. فرهنگ تاریخی در مقابل فرهنگ غیرتاریخی. فرهنگ تاریخی تمام صورتهای زبانی رایج و منسوخ زبان خاصی را در طول تاریخ به دست می‌دهد. به عبارت دیگر، این فرهنگ تاریخ صورتهای معانی مدخلها را توصیف می‌کند. فرهنگ تاریخی، در کمال مطلوب آن، باید تاریخ تمام واژه‌ها را در طول ادوار تاریخی زبان به دست دهد و نه تنها تولد واژه‌ها و معانی جدید، بلکه نابودی تدریجی و تغییرات آنها را نیز بازگو کند. نمونه ایرانی این گونه فرهنگها

فرهنگ تاریخی زبان فارسی (بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷) است.

طبقه‌بندی شر با دارای محدودیتها و اشکالاتی چند است. نخست این که تعداد تقابلهای برشمرده بسیار اندک و ویژگیهای ساختاری آنها بسیار گسترده است که این مسئله خود باعث همبوسی و تداخل ویژگیهای فرهنگها می‌شود. دیگر این که این طبقه‌بندی براساس فرهنگهای «موجود» است و به فرهنگهای «ممکن» نمی‌پردازد. سوم این که مشابه این طبقه‌بندی پیش از او در کتابخانه‌ها و کتابشناسیها رعایت می‌شد.

یکی از مهمترین و عمده‌ترین طبقه‌بندیها از آن یاکوف مالکیل (۱۹۷۶) است که براساس فرهنگهای زبان اسپانیایی به‌دست آمده است. مالکیل این الگورا اولین بار در مقاله «رهیافت رده‌شناختی به فرهنگها با نگرشی بر فرهنگهای اسپانیایی» در سال ۱۹۵۹ مطرح ساخت. آن‌گاه متن خلاصه‌شده و تجدیدنظرشده آن را در کنفرانس فرهنگ‌نگاری دانشگاه ایندیانا ارائه داد که بعداً با عنوان «طبقه‌بندی رده‌شناختی فرهنگها براساس مشخصه‌های تمایزدهنده» در کتاب مسائل فرهنگ‌نگاری (مالکیل ۱۹۷۶) به چاپ رسید.

مالکیل طبقه‌بندی فرهنگها را بر سه اصل گستره (range)، دیدگاه (perspective) و ارائه یا عرضه استوار ساخت:

۱. معیارهای طبقه‌بندی براساس گستره عبارت‌اند از:

(الف) حجم مدخلها که معیار آن وسعت شمول (میزان شمول واژگان) و عمق شمول (تعداد معانی وارده در ذیل هر مدخل، شمول معانی ضمنی و مجازی، و اصطلاحات) است؛  
 (ب) تعداد زبانها: فرهنگها تک‌زبانه، دوزبانه، سه‌زبانه یا چندزبانه‌اند؛ و  
 (پ) میزان تأکید بر داده‌های واژگانی: شمول اسامی خاص و وسعت مدخلهای غیرزبانی در فرهنگهای دایرة‌المعارفی آنها را از توصیفات مختصر و مفید واژه‌نامه‌ها متمایز می‌کند.

۲. طبقه‌بندی براساس دیدگاه به موارد زیر تقسیم می‌شود:

(الف) بعد اصلی: فرهنگ یا همزمانی است یا در زمانی. در بعد همزمانی که واژه‌های فرهنگ از مقطع معینی از تاریخ زبان برگزیده و توصیف می‌شوند خبری از تجویز، سره‌گرایی و ترجیح صورتهای زبانی قدیمی بر صورتهای جدید نیست. بعد در زمانی فرهنگ به تاریخ تحول واژگان می‌پردازد و معانی را برحسب تاریخ تحول آنها انتظام می‌بخشد؛  
 (ب) سه الگوی تقابلی ترتیب واژه‌ها یا آرایش واژگانی: آرایش واژگانی می‌تواند الفبایی، معنایی، یا غیرنظام‌مند باشد. ترکیبی از آرایش الفبایی و معنایی نیز ممکن است؛ و  
 (پ) سه سطح تقابلی لحن: فرهنگ می‌تواند گزارشی، آموزشی و هنجارساز، یا سرگرم‌کننده باشد.

۳. در طبقه‌بندی فرهنگها از نظر ارائه موارد زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

(الف) تعاریف

(ب) شواهد و مثالها

(پ) شواهد تصویری (از جمله نقشه‌ها و نمودارها)

(ت) ویژگیهای خاص (مانند واژه‌ها و اصطلاحات محلی و اجتماعی، نقش عاطفی واژه‌ها

و تلفظها، و نوع آوانویسی).

ایراد عمده طبقه‌بندی رده‌شناختی مالکیل این است که به انواع متمایز فرهنگها با تقابلهای دوگانه نمی‌انجامد. تقریباً کلیه مشخصه‌های تمایزدهنده پیشنهادی وی در تمام فرهنگها می‌تواند وجود داشته باشد. برای مثال، در بسیاری از فرهنگها مرز بین ویژگی در زمانی و همزمانی چندان دقیق و قاطع نیست و میزان اطلاعات تاریخی و غیرتاریخی آنها متفاوت است. ایراد وارد به طبقه‌بندی شر با - برداختن به فرهنگهای موجود - در این جا نیز صادق است، زیرا طبقه‌بندی مالکیل به برشمردن شرایط و ویژگیهای فرهنگهای آرمانی و ممکن نمی‌پردازد. افزون بر این، این الگو بی‌شبهت به طبقه‌بندیهای کتابخانه‌ها و کتابشناسیها نیست.

طبقه‌بندی دیگری که از فرهنگها به دست داده شده از آن تامس سبیاک است که در سال ۱۹۶۲ بر اساس فرهنگهای زبان چرمیسی (Cheremis)، با هفده ویژگی، به چاپ رسیده است (سبیاک، ۱۹۶۲). بر اساس این طبقه‌بندی فرهنگ می‌تواند:

۱. ساختگی (generated) باشد، یعنی فرهنگ نگار فهرستی از واژه‌هایی را تهیه کند که به اعتقاد او باید در فرهنگ بیاید؛

۲. استخراجی (abstracted)، برگرفته از متون مکتوب باشد؛

۳. محدوده پیکره زبانی آن متفاوت باشد؛

۴. تنوع داخلی پیکره زبانی آن می‌تواند از پیش تعیین شده، یا اتفاقی و تصادفی باشد؛

۵. مدخلهای آن تک کلمه‌ای باشند یا چند کلمه‌ای؛

۶. فرهنگ می‌تواند بر اساس صورت باشد؛

۷. فرهنگ می‌تواند بر پایه معنی باشد؛

۸. تنظیم و آرایش آن بر طبق صورت باشد؛

۹. تنظیم و آرایش آن بر طبق معنی باشد؛

۱۰. ارجاع متقابل می‌تواند بر پایه صورت باشد؛

۱۱. ارجاع متقابل می‌تواند بر حسب معنی باشد؛

۱۲. اطلاعات داده شده می‌تواند (الف) گویشی، (ب) جغرافیایی یا (پ) بافتی (textual) باشد؛

اطلاعات زیر می‌توانند در فرهنگ بیابند یا اصلا ثبت نشوند:

۱۳. شواهد و مثالها؛

۱۴. تعاریف و توضیحات؛

۱۵. اطلاعات مربوط به بسامد؛

۱۶. توضیحات ریشه‌شناختی؛

۱۷. توضیحات دایرةالمعارفی.

سببیک خود اعتراف می‌کند که ویژگیهای ۱۳ تا ۱۷ معرف ضابطه دقیق و قاطعی در امر طبقه‌بندی نیستند و در عوض ارتباط متقابل و تنگاتنگی با ویژگیهای محدوده پیکره زبانی و تنوع داخلی آن (۳ و ۴) دارند. طبقه‌بندی رده‌شناختی سببیک فقط بر اساس تعداد معدودی فرهنگ و تنها یک زبان صورت گرفته و بدین علت دچار محدودیتهایی چند است. گستره این رده‌شناسی محدود است و فقط به چند جنبه کار فرهنگ‌نگاری، یعنی روابط بین فرهنگ و منبع آن، روابط بین مدخلها، و روابط میان بخشهای زبان در درون هر مدخل، می‌پردازد. نکته دیگر این که این طبقه‌بندی در جوهر تفاوت عمده‌ای با طبقه‌بندی مالکیل ندارد که به قصد تکمیل آن پیشنهاد شده بود.

بالاخره طبقه‌بندی دیگری که از فرهنگها به دست داده شده از لادیسلاو زگوستا است. وی ابتدا فرهنگهای دایرةالمعارفی را از فرهنگهای زبانی متمایز می‌کند و سپس فرهنگهای زبانی را بر پایه معیارهای مختلف به مقولاتی متفاوت تقسیم می‌نماید. اولین بخش بندی فرهنگهای زبانی تقسیم آنها به فرهنگهای در زمانی و همزمانی است. بخش بندی دیگر تقسیم آنها به فرهنگهای عمومی و تخصصی است. بعد دیگری که در طبقه‌بندی او بر اساس آن می‌توان انواع فرهنگها را متمایز کرد، تعداد زبانهاست. هدفی که فرهنگ به منظور برآوردن آن تدوین می‌شود، عامل تعیین کننده مهم دیگری است؛ بنابراین، هدف فرهنگ نیز یکی از معیارهای طبقه‌بندی به شمار می‌رود. آخرین بعدی که زگوستا در رده‌شناسی خود بدان می‌پردازد، اندازه و حجم فرهنگهاست که بر اساس آن فرهنگها به جامع، بزرگ، فشرده و... تقسیم می‌شود.

در این جا می‌توان به مطالبی که آلن واکر رید در مقاله «دایرةالمعارفها و فرهنگها» در دایرةالمعارف بریتانیکا نوشته نیز اشاره کرد. گرچه وی صریحاً طبقه‌بندی مستقلی را ارائه نمی‌دهد، از فحوای کلام او چنین برمی‌آید که فرهنگها را به سه نوع طبقه‌بندی می‌کند:

فرهنگهای عمومی، فرهنگهای پژوهشی یا عالمانه، و فرهنگهای تخصصی.

۱. فرهنگهای عمومی کتابهای مرجعی هستند که مورد استفاده قاطبه مردم قرار می گیرند و به منظور بر آوردن نیازهای زبانی و برای اهداف عملی و معمولی تدوین شده اند. بنابراین، کتابهای مانند فرهنگ و بستر، فرهنگ رندم هاوس (۱۹۶۶)، فرهنگ دانشگاهی امریکا (*The American College Dictionary*) (۱۹۴۷)، لغت نامه دهخدا، و فرهنگ فارسی معین در این مقوله قرار می گیرند.

۲. فرهنگهای پژوهشی حاصل تحقیقات و بررسیهای عالمانه و نظام مند در يك زمينه فرهنگ نگاری خاص و به منظور بر آوردن نیازهای پژوهشی است که از اعتبار علمی فراوانی برخوردار است. نمونه هایی از فرهنگهای پژوهشی عبارت اند از: فرهنگ انگلیسی آکسفورد، فرهنگ تاریخی سنسکریت، فرهنگ انگلیسی میانه، و فرهنگ تاریخی زبان فارسی.

۳. تعداد فرهنگهای تخصصی بسیار بیشتر از انواع دیگر است. برای هر يك از حوزه های مطالعات زبانی مانند ریشه شناسی، تلفظ، کاربرد و... می توان فرهنگ خاصی تدوین کرد. فرهنگهای ریشه شناسی و فرهنگهای آوایی (تلفظی) از اولین فرهنگهای تخصصی اند. فرهنگ مفاهیم فرهنگی است که واژه ها در آن بر حسب معانی شان در گروه های خاصی آرایش می یابند. فرهنگهای اختصاصی، گونه های کاربردی جغرافیایی و گویشی در این طبقه بندی قرار می گیرند. فرهنگهای دوزبانه در میان دیگر کتابهای مرجع پر کاربردترین و مفیدترین آنها هستند. تعداد فرهنگهایی که به حوزه خاصی از واژگان، مانند حقوق، جامعه شناسی، ورزش، کتابداری، بانکداری، الکترونیک، قارچها و... می پردازند به هزاران می رسد.

زبان شناسان و فرهنگ شناسان دیگری نیز به امر طبقه بندی رده شناختی دست یازیده اند، اما نظریات آنها چندان مورد اعتنا و توجه جدی قرار نگرفته است، از آن جمله اند: آلن ری (۱۹۷۰، ۸۶-۴۸) زبان شناس فرانسوی؛ ویلیام کارنین (۱۹۷۳، ۲۷۴)، استاد دانشگاه ییل؛ و

1. A. Chandra, *Elsevier's Dictionary of Edible Mushrooms*, Amsterdam: Elsevier Science Publishers, 1989.

فرهنگ قارچهای خوراکی *اِلسه وی* بر چندزبانه، یعنی بلغاری - چینی - چکی - دانمارکی - هلندی - انگلیسی - فنلاندی - فرانسوی - آلمانی - مجارستانی - هندی - ایتالیایی - ژاپنی - نروژی - پاکستانی [کدا] - فیلیپینی - لهستانی - رومانیایی - روسی - اسپانیایی - سوئدی است. اسامی خاص و نامهای علمی ۶۲۸ نوع قارچ خوراکی با ذکر خصوصیات آنها در این فرهنگ آورده شده است. در زمانی که در فرنگستان يك فرهنگ ۲۵۹ صفحه ای با سی و نه صفحه مقدمه درباره ۶۲۸ نوع «قارچ خوراکی» - همین قارچ بی مقدار - تألیف می شود، ما هنوز هم يك فرهنگ جامع یا غیر جامعی که بر اساس اصول فرهنگ نگاری نوشته شده باشد نداریم! اقدام «حماسی» فرهنگ انگلیسی آکسفورد جای خود دارد.

آی. جی. گلب (۱۹۵۸، ۶۳-۷۵). طبقه‌بندی خاص فرهنگهای ریشه‌شناختی کیپارسکی (۱۹۵۹، ۲۳۰-۲۰۹) را نیز نباید از نظر دور داشت. از آن جایی که این طبقه‌بندی تنها به یک گونه خاص از فرهنگها اشارت دارد، از ذکر آن در این مقال درمی‌گذریم.

دو. طبقه‌بندی رده‌شناختی فرهنگهای دوزبانه

طبقه‌بندی رده‌شناختی القاسمی (۱۹۷۷) ویژه فرهنگهای دوزبانه است و به فرهنگهای تک‌زبانه نمی‌پردازد. تفاوت این طبقه‌بندی را از نظر منبع، گستره و هدف با الگوهای پیشین می‌توان چنین برشمرد:

۱. رده‌شناسیهای پیشین صرفاً به بررسی فرهنگهای موجود می‌پردازند، اما طبقه‌بندی القاسمی بر پایه نظریات زبان‌شناسان در مورد فرهنگ نگاری و نقد فرهنگهای کنونی است و لذا به این موضوع می‌پردازد که فرهنگها چگونه باید باشند.

۲. طبقه‌بندی القاسمی فقط به فرهنگهای دوزبانه اختصاص دارد.

۳. طبقه‌بندیهای پیشین حداقل فایده یا بهره‌وری را برای فرهنگ نویس، زبان‌شناس و مراجع فرهنگها دارند، اما طبقه‌بندی القاسمی در اصل، از يك سو، به قصد كمك به فرهنگ نویس در درك و فهم نظریات زبان‌شناختی برای تدوین فرهنگ دوزبانه و از سوی دیگر، برای یاری رساندن به مراجعه‌کننده به فرهنگ در امر انتخاب بهترین فرهنگ متناسب با نیازهای او فراهم آمده است.

از دو سه دهه گذشته به این سو توجه زبان‌شناسان و فرهنگ نگاران از نظرهای مختلف به مخاطب و مراجع فرهنگ معطوف شده است. پیش از آن در مطالعات زبانی و ترجمه و تدوین فرهنگها مخاطبان و مراجعان که در واقع فرهنگ برای آنها نوشته می‌شود، مورد اعتنا قرار نمی‌گرفتند. طبقه‌بندی القاسمی بر اساس هدف یا اهدافی که فرهنگ نگار قصد بر آوردن آنها را دارد تدوین شده است. عامل تعیین کننده در تفکیک معانی و آرایشهای مختلف واحدهای واژگانی این است که ابتدا باید مشخص شود مخاطب و مراجع فرهنگ کیست و چه کاربردهایی از آن مراد و منظور فرهنگ نگار است. فرهنگ نویس نوع اطلاعات وارده در فرهنگ را بر اساس نیازهای مراجع تعیین می‌کند. القاسمی با عنایت به این عامل مهم در فرهنگ نگاری، طبقه‌بندی رده‌شناختی خود را «هدف بنیاد» می‌خواند.

رده‌شناختی هدف بنیاد القاسمی هفت تقابل دوگانه را برای بازشناسی فرهنگها پیشنهاد

می‌کند:

۱. فرهنگ برای گویندگان زبان مبدأ در مقابل فرهنگ برای گویندگان زبان مقصد

۲. فرهنگ‌های زبان ادبی در مقابل فرهنگ‌های زبان محاوره‌ای
۳. فرهنگ برای تولید زبان در مقابل فرهنگ برای درك زبان
۴. فرهنگ برای استفاده انسانی در مقابل فرهنگ برای ترجمه ماشینی
۵. فرهنگ تاریخی در مقابل فرهنگ توصیفی
۶. فرهنگ واژگانی در مقابل فرهنگ دایرةالمعارفی، و
۷. فرهنگ عمومی در مقابل فرهنگ تخصصی.

در این بخش به شرح مختصری در مورد هر يك از این تقابلهای دوگانه می‌پردازیم:

۱. فرهنگ برای گویندگان زبان مبدأ در مقابل فرهنگ برای گویندگان زبان مقصد. اغلب مؤلفان فرهنگ‌های دوزبانه مدعی اند که فرهنگ‌های خود را به منظور برآوردن نیازهای گویندگان زبان مبدأ و نیز زبان مقصد تدوین کرده‌اند. اما در عمل چنین کاری امکان‌پذیر نیست. اولین گام در فرهنگ‌نگاری دوزبانه این است که مخاطب و مراجع را باید مشخص کرد و این که فرهنگ برای گوینده زبان مقصد تدوین می‌شود یا گوینده زبان مبدأ. پرواضح است فرهنگی که بخواهد متساویاً نیازهای گویندگان دوزبان مبدأ و مقصد را برآورده سازد، عملاً از پاسخگویی به هر دو آنها ناکام خواهد ماند. بنابراین، اولین تصمیم فرهنگ‌نگار باید این باشد که: مخاطب و کاربرنده فرهنگ کیست؟

برای مثال، فرهنگ فارسی - انگلیسی حییم برای فارسی‌زبانان نوشته شده است؛ فرهنگ امثال فارسی - انگلیسی حییم (۱۳۳۴) که مجموعه‌ای است از امثال و حکم فارسی با مترادفات و نظایر انگلیسی آنها همراه با توضیحاتی به زبان انگلیسی در ذیل هر مدخل، برای برآوردن نیازهای گویندگان زبان انگلیسی تدوین شده است. در پیشگفتار فرهنگ فشرده فارسی به انگلیسی تألیف عباس و منوچهر آریانیور چنین آمده است: «کوشش ما بر آن بود که... فرهنگی با توجه به نیازهای امروزی مترجمان و آموزندگان زبان انگلیسی گردآوری کنیم.» (آریانیور، ۱۳۵۵)

دو عامل باعث جدایی روش کار در فرهنگ ویژه زبان مبدأ و فرهنگ ویژه زبان مقصد می‌شود. اولین مشکل انتخاب واژگان است و این که چه مدخلهایی را باید در فرهنگ وارد کرد. از آنجایی که حجم فرهنگها محدود است، چاره‌ای جز انتخاب واژگان برطبق نیازهای مخاطبان نیست. اگر يك فرهنگ انگلیسی - فارسی برای انگلیسی‌زبانان، مثلاً امریکایی‌ها، تهیه شود، نیازی به آوردن اصطلاحات مربوط به فوتبال امریکایی نیست. اما اگر این فرهنگ برای فارسی‌زبانان تدوین شود، ذکر آنها ضروری خواهد بود.

موضوع دیگری که باید به دو شیوهٔ مختلف برحسب نوع فرهنگ به آن پرداخت، زبان راهنماییهای کلی و توضیحات نه تنها در مقدمه و مقالات آغازین فرهنگ بلکه همچنین در توصیفات و توضیحات ذیل هر مدخل است. اگر فرهنگ برای گویندگان زبان مبدأ تدوین شود، راهنماییهای کلی باید به همان زبان نوشته شود، و برعکس.

۲. فرهنگ زبان ادبی در مقابل فرهنگ زبان محاوره‌ای. اغلب فرهنگهای حاضر براساس زبان نوشتار و زبان ادبی تدوین می‌شوند تا زبان گفتار. سبب آن است که گردآوری و استخراج مواد مکتوب آسانتر از گردآوری مواد زبان گفتار است. در ایران در تألیف فرهنگها عمدتاً مواد و پیکرهٔ زبانی را از میان متون ادبی و زبان نوشتار بخصوص از شعر برمی‌گزینند و بسیار کم اتفاق می‌افتد که مدخلی با زمینهٔ کاربردی «محاوره‌ای» در فرهنگها درج شود.

عده‌ای از فرهنگ‌نگاران پیشنهاد می‌کنند که صورت‌های ادبی و محاوره‌ای در یک فرهنگ گرد آیند، به شرطی که زمینهٔ کاربردی آنها مشخص شود، اما چنین شیوه‌ای همیشه نمی‌تواند مصداق داشته باشد. در مواردی - مانند زبان عربی - اختلاف میان زبان ادبی و محاوره‌ای بیش از حد و الگوها، قواعد و مواد آنها بسیار متفاوت است. در مواقعی که زبان ادبی و محاوره‌ای از نظر کاربرد و ساختار با هم اختلاف فاحش دارند، برای هر کدام از آنها باید فرهنگ جداگانه‌ای تدوین کرد. کتاب کوچه (شاملو، ۱۳۵۷) و فرهنگ معاصر (انزابی نژاد و ثروت، ۱۳۶۶) از نمونه‌های فرهنگ زبان محاوره‌ای اند.

۳. فرهنگ برای تولید در مقابل فرهنگ برای درک. فرهنگهای پیشین برای درک زبان تدوین می‌شدند، ولی امروزه به خاطر برقراری ارتباط گسترده در سطح جهانی، نیاز به فرهنگهایی برای کمک به امر تولید زبان به صورت نوشتاری یا گفتاری آن پیش آمده است. این تقابل در ابتدای کار فرهنگ‌نگاری با انتخاب زبان مبدأ و مقصد صورت می‌گیرد. تفاوت دیگر این دو نوع فرهنگ در محتوا و ساختار مدخلهای آنهاست. فرهنگ برای درک زبان نسبت به فرهنگ برای تولید به مدخلها و معانی بیشتری نیاز دارد. مدخلها در فرهنگ برای تولید در مقایسه با فرهنگ برای درک باید دربارهٔ وضع صرفی و نحوی واژه‌ها اطلاعات بیشتری به دست دهند.

۴. فرهنگ برای استفادهٔ انسانی در مقابل فرهنگ برای ترجمهٔ ماشینی. گسترش ترجمهٔ ماشینی در سالهای اخیر موجب مطرح شدن مسائل جدیدی در فرهنگ‌نگاری دوزبانه شد و بر اثر آن فرهنگهای کامپیوتری برای ترجمه ماشینی ساخته شد. به‌طور کلی، تفاوت‌های این دو نوع فرهنگ عبارت‌اند از:

(الف) ارائه اطلاعات لازم زبانی برای مراجع خارجی و غیر اهل زبان، هدف اصلی فرهنگهای نوع اول است، حال آن که فرهنگ کامپیوتری باید اطلاعات دقیق و مفصلی درباره دو زبان مبدأ و مقصد در بر داشته باشد.

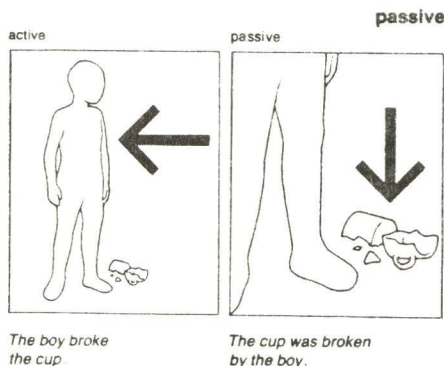
(ب) در فرهنگ برای استفاده انسانی می توان تمام یا بخشی از ویژگیهای دستوری و معنایی واژه‌ها را وارد کرد و بخشهایی از آن را از طریق شواهد کلامی و حتی تصویری<sup>۲</sup> نمایش داد؛ درحالی که در فرهنگهای نوع دوم باید تمام اطلاعات دستوری را وارد کرد تا فرهنگ همانند يك ماشین جمله‌ساز عمل کند.

(پ) در فرهنگهای نوع اول می توان مترادفات مدخلها را وارد کرد، درحالی که چنین کاری در مورد فرهنگهای نوع دوم عملی نیست و باعث بروز اشکالات بسیار در امر ترجمه می شود.

(ت) در فرهنگهای نوع اول توضیحاتی در مورد مدخلها، مخصوصاً در مورد اصطلاحات و ضرب المثلهها، داده می شود. ضبط چنین توضیحاتی در فرهنگ برای ترجمه ماشینی باعث بروز مشکلاتی می شود. برای مقابله با این امر باید معادل ترجمه‌ای اصطلاحات و ضرب المثلهها داده شود.

۵. فرهنگ تاریخی در مقابل فرهنگ توصیفی. فرهنگ تاریخی به صورتهای و معانی تاریخی واژه‌های مدخل می پردازد. فرهنگ توصیفی فرهنگی است که عناصر زبانی رایج و

۲. مانند نمونه زیر مستخرج از فرهنگ انگلیسی امروزین لانگمن که مفهوم دستوری فعل معلوم و مجهول را در دو تصویر بوضوح نشان می دهد. تصویر سمت چپ شاهدهی برای فعل معلوم، و تصویر سمت راست مجهول آن است. در تصویر سمت راست پیکان متوجه شیء شکسته شده ( فنجان ) است و عامل عمل کاملاً نشان داده نشده، درحالی که در تصویر سمت چپ پیکان متوجه عامل عمل است و در عوض شیء شکسته شده تحت الشعاع قرار گرفته است.



متداول در دوره‌ای از زمان را به‌طور عینی و بدون قضاوت ارزشی درباره‌ی درست یا غلط بودن آن، بدان‌گونه که هست، ثبت و ضبط می‌کند. فرهنگ انگلیسی امروزین لانگمن (۱۹۸۷) نمونه‌ی بارز چنین فرهنگهایی است. فرهنگ تاریخی انگلیسی امریکایی تألیف کریجی و هولبرت<sup>۳</sup> جزو فرهنگهای تاریخی است. برای زبان فارسی تا کنون هیچ فرهنگ توصیفی تدوین نشده است.

ویژگیهای کلی فرهنگهای تاریخی را می‌توان چنین برشمرد:

(الف) منبع فرهنگ. مواد و آثار مکتوب به جای مانده از ادوار گذشته‌ی زبان منبع فرهنگ تاریخی را تشکیل می‌دهد و اطلاعات مربوط به تلفظ مدخلها و همچنین تحول معانی و تلفظها براساس همان آثار است.

(ب) ریشه‌شناسی. فرهنگ تاریخی در ارائه‌ی ریشه‌شناسی به تاریخ زبان متکی است.

(پ) شواهد. شواهد داده شده در فرهنگهای تاریخی به یک دوره یا دوره‌های خاصی از

تاریخ زبان محدود می‌شود.

(ت) آرایش معانی. آرایش معانی در فرهنگهای تاریخی به ترتیب تاریخ تحول آنهاست.

فرهنگهای توصیفی مواد و پیکره‌ی زبانی، تلفظ و شواهد و مثالهای خود را از زبان معاصر انتخاب می‌کنند و آرایش معانی در آنها براساس معیار بسامدی یا معیارهای توصیفی دیگر است. چنین فرهنگهایی به ریشه‌شناسی در زمانی نمی‌پردازند. لازم به تذکر است که فرهنگ توصیفی می‌تواند مربوط به یک دوره گذشته نیز باشد.

۶. فرهنگ واژگانی در مقابل فرهنگ دایرةالمعارفی. فرهنگها به اعتبار شمول یا عدم

شمول اطلاعات دایرةالمعارفی به دو نوع تقسیم می‌شوند: فرهنگهای دایرةالمعارفی و

فرهنگهای واژگانی. برای فرهنگهای دایرةالمعارفی سه ویژگی عمده را می‌توان برشمرد:

(الف) شمول اعلام، اسامی کسان، جایها و آثار ادبی، (ب) در بر گرفتن تمام شاخه‌های

علوم، و (پ) بررسی جامع حقایق ذیل هر مدخل.

تفاوت دایرةالمعارف با فرهنگ دایرةالمعارفی در این است که در دایرةالمعارف

اطلاعات زیر عنوان موضوعات کلی معدودی ارائه می‌شود، درحالی که در فرهنگ

دایرةالمعارفی اطلاعات به مد-نلهای ریزتری تقسیم می‌شود. این امر باعث دسترسی آسان

مراجعه‌کننده به اطلاعات موردنظر می‌شود. تفاوت دیگر آنها در این است که اطلاعات

3. *Dictionary of American English on Historical principles* (1936-44/79), comp. W. A. Craigie and J. R. Hulbert.

فرهنگ دایرة المعارفی مختصرتر و کمتر از اطلاعات ارائه شده در دایرة المعارف است. برای نمونه مقاله bridge را در فرهنگ قرن ۴، فرهنگ دایرة المعارفی، با همان مقاله در یکی از دایرة المعارفهای معروف مانند بریتانیکا مقایسه کنید.

لازم به تذکر است که فرهنگ دایرة المعارفی در میان اغلب زبان‌شناسان و فرهنگ‌نگاران از مقبولیت چندانی برخوردار نیست، اما عده‌ای دیگر از جمله فیلیپ گو و (P. B. Gove)، القاسمی، و ریچارد یورکی (R. Yorkey) فرهنگ دایرة المعارفی را برای مراجعان و زبان‌آموزان خارجی توصیه می‌کنند.

۷. فرهنگ عمومی در مقابل فرهنگهای تخصصی. فرهنگ عمومی داعیه دربرگیری تمام واژگان زبان را دارد، اما فرهنگ تخصصی تنها به يك بخش از زبان می‌پردازد. در فرهنگ عمومی سعی می‌شود واژه‌های تمام زمینه‌های دانش و فرهنگ وارد شود؛ در فرهنگ تخصصی تنها معنی اصطلاحات و عبارات و واژه‌های خاص يك رشته تخصصی ضبط می‌شود و واژه‌های غیر تخصصی و نامربوط به کنار گذاشته می‌شود. فرهنگ فارسی معین از نوع اول، و فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی (طباطبایی، ۱۳۶۷)، واژه‌نامه کتابداری و دکوماناسیون (مهدوی، ۱۳۶۶)، واژه‌نامه روانشناسی و زمینه‌های وابسته (براهنی و دیگران، ۱۳۶۸) و واژه‌نامه مصور هنرهای تجسمی (مرزبان، ۱۳۶۵) از نوع دوم است.

برخی از تقابلهای رده‌شناسی القاسمی در مورد فرهنگهای تک‌زبانه نیز صادق است، مانند تقابلهای ۵، ۶، ۷ (فرهنگ تاریخی در مقابل فرهنگ توصیفی، فرهنگ واژگانی در مقابل فرهنگ دایرة المعارفی، و فرهنگ عمومی در مقابل فرهنگ تخصصی). القاسمی هدف بنیادی را ویژگی مهم رده‌شناسی خود می‌داند، درحالی‌که بجز تقابل فرهنگ برای تولید زبان و درک زبان، بقیه تقابلهای مشخصه‌های کلی فرهنگ‌نگاری مربوط می‌شود. این ایراد، هدف بنیادی این طبقه‌بندی را دچار اشکال می‌کند. در واقع، فرهنگهای دوزبانه در عمل به طبقه‌بندی و الگوی خاصی مقید نیستند و غالباً بسیاری از ویژگیهای تقابلی را در خود دارند.

از دکتر ساموئل جانسون، فرهنگ‌نگار بزرگ انگلیسی، منقول است که «فرهنگها مانند ساعت اند؛ هر قدر هم بد باشند، بودنشان بهتر از نبودنشان است و از بهترین آنها هم انتظار نمی‌رود کاملاً دقیق و صحیح باشد (باوسول، ۱۹۷۱). این نکته را نباید از نظر دور داشت که هر قدر طبقه‌بندی دقیق باشد، باز هم درجاتی از همپوشی در آن راه می‌یابد. افزون بر این، بین خود طبقه‌بندیهای رده‌شناختی مستقل نیز همپوشیهایی رخ می‌دهد. هر يك از طبقه‌بندیهای

فوق دارای ایرادها و اشکالاتی است. اما صرف نظر از این محدودیتها، هر کدام از آنها بدرجاتی می‌تواند راهگشای کار فرهنگ نویسان و پژوهندگان باشد. چنین نیست که فرضاً طبقه‌بندی القاسمی بهتر از طبقه‌بندیهای دیگر است یا رده‌شناسی مالکیلی بهترین رده‌شناسیهاست. گفته‌ی دکتر جانسون درباره‌ی فرهنگ را می‌توان در مورد طبقه‌بندیهای رده‌شناختی نیز صادق دانست.

### کتابنامه

- Assi, M., 1989, *Problems of Special-Purpose English-Persian Lexicography with Particular Reference to Computer Techniques*, (Unpublished Ph.D. Dissertation, University of Exeter).
- Boswell, James, 1971, *Life of Samuel Johnson, LL. D.*, Chicago, William Benton.
- Chandra, A., 1989, *Elsevier's Dictionary of Edible Mushrooms*, Amsterdam, Elsevier Science Publishers.
- Cornyn, William S., 1973, «Comments», *Problems in Lexicography*, Bloomington, Indiana University.
- Gleb, I.J., 1958, «Lexicography, Lexicology, and the Accadian Dictionary», *Miscelánea; Homenaje a André Martinet*, «Estructuralisme E Historia», Vol. II, Universidad de la Laguna, 63-75.
- Al-Kasimi, Ali M., 1977, *Linguistics and Bilingual Dictionaries*, Leiden, E.J. Brill, 12-32.
- Kiparsky, V., «Über etymologische Wörterbücher», *Neuphilologische Mitteilungen*, 60, 1959, p. 209-230.
- Kipfer, Barbara Ann, 1984, *Workbook on Lexicography*, Exeter Linguistic Studies, 8, Exeter, University of Exeter.
- Malkiel, Yakov, 1976, «A Typological Classification of Dictionaries on the Basis of Distinctive Features», in *Problems in Lexicography*, (ed.) F.W. Housholder and S. Saporta, Bloomington, Indiana University, pp. 3-24.
- Reed, Allen Walker, «Encyclopedias and Dictionaries», *The New Encyclopedia Britanica*.
- Rey, Alain, 1970, «Typologie génétique des dictionnaires», *Language*, 19, La Lexicographie.
- Sebeok, Thomas A., 1962, «Materials for a typology of Dictionaries», *Lingua*, 11, p. 364.
- Zgusta, Ladislav et al, 1971, *Manual of Lexicography*, The Hague, Mouton. pp. 197-221.
- آریانیور کاشانی، عباس (و) و منوچهر آریانیور کاشانی، ۱۳۵۵، فرهنگ فشرده فارسی به انگلیسی، تهران، امیرکبیر.
- انزایی نژاد، رضا (و) منصور ثروت، ۱۳۶۶، فرهنگ معاصر، تهران، امیرکبیر.

- براهنی، محمدنقی (و) دیگران، ۱۳۶۸، *واژه‌نامه روانشناسی و زمینه‌های وابسته*، تهران، فرهنگ معاصر.
- بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷، *فرهنگ تاریخی زبان فارسی: بخش اول: آ - ب*، تهران.
- حییم، سلیمان، ۱۳۳۴، *فرهنگ امثال فارسی - انگلیسی*، تهران، کتابفروشی یهودا بروخیم.
- سامعی، حسین، «راهی که تا امروز پیموده‌ایم»، آدینه (ویژه‌نامه فرهنگ و فرهنگ‌نویسی در ایران)، ۳۳، ۱۳۶۸، ص ۷۲-۷۹.
- شاملو، احمد، ۱۳۵۷، *کتاب کوچه*، تهران، انتشارات مازیار.
- صبا، محسن، ۱۳۶۶، *فرهنگ بیان اندیشه*، تهران، نشر اندیشه.
- صدیقیان، مهین‌دخت (و) ابوطالب میرعابدینی، ۱۳۶۶، *فرهنگ واژه‌نمای حافظ به انضمام فرهنگ بسامدی*، تهران، امیرکبیر.
- طباطبایی، محمد، ۱۳۶۷، *فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی*، مشهد، بنیاد فرهنگی رضوی.
- مرزبان، پرویز (و) حبیب معروف، ۱۳۶۵، *واژه‌نامه مصور هنرهای تجسمی (معماری، بیکره‌سازی، نقاشی)*، تهران، سروش.
- مهدوی، محمدنقی (و) عباس اسلامی، ۱۳۶۶، *واژه‌نامه کتابداری و دکومانتاسیون*، تهران، مرکز اسناد و مدارک علمی.

### گزیده‌ای از مهمترین منابع فرهنگ‌نگاری

- Branford, J., *Some Problems of Dialect Lexicography, with Particular Reference to the Preparation of a Draft of an Illustrative, Experientially Categorized Dictionary of South African English*, Dissertation, Grahamstown, Rhodes University, 1975.
- Hartmann, R. R. K., ed. *Dictionaries and their Users*, Papers from the 1978 BAAL Seminar on Lexicography, Exeter Linguistic Studies 4, Exeter, University of Exeter, 1979.
- , ed. *Lexicography: Principles and Practice*, London, Academic Press, 1983.
- , ed. *LEXeter '83 Proceedings: Papers from the International Conference on Lexicography at Exeter, 9-12 September 1983*, Lexicographica Series, Maior 1, Tübingen, Niemeyer, 1984.
- Householder, Fred and Sol Saporta, eds. *Problems in Lexicography*, Bloomington, Indiana University, 1967.
- Johnson, S., *The Plan of a Dictionary of the English Language*, Menston, Scholar Press, 1747/1970.
- Landau, Sidney I., *Dictionaries: The Art and Craft of Lexicography*, Cambridge: Cambridge University Press, 1989.
- Quemada, B., «Lexicology and Lexicography», in *Current Trends in Linguistics*, Vol. 9, pp. 395-475 (T. A. Sebeok et al., ed), Den Haag: Mouton, 1972.
- Rey, Alen, *Le Lexique, Images et Modèles du Dictionnaire à la Lexicographie*, Paris, Armand Colin, 1977.
- Robinson, D.F., *Manual for Bilingual Dictionaries*, Santa Ana, California, Summer Institute of Linguistics, 1969.
- Starnes, D.T. and Noyes, G. E., *The English Dictionary from Cawdrey to Johnson*, Chapel Hill, University of North California Press, 1946.
- Underhill, A. *Use Your Dictionary*, Oxford, Oxford University Press, 1980.